246374 ـ با پدرش و عمه‌هایش حرف نمی‌زند و نماز نمی‌خواند و به خداوند گمان بد دارد

سوال

حکم کسی که به سبب رفتار بد پدرش و روابط حرام او با زنان و انجام ندادن وظایفش در قبال خانواده و چند بار طلاق دادن مادرش با او قطع رابطه کرده و با عمه‌هایش که در حق مادرش بدی کرده‌اند رفت و آمد ندارد چیست؟ البته اگر آنها را در خیابان ببیند به آنها سلام می‌کند. او به سبب این مشکلات با همکارانش هم حرف نمی‌زند ولی با این وجود در دلش نسبت به آنان کینه‌ای ندارد. او همچنین نماز نمی‌خواند و همیشه می‌گوید خداوند نمازش را نمی‌پذیرد چون نمازهای پنجگانه را در مسجد نمی‌خواند و پیوند خویشاوندی را قطع کرده و با بعضی‌ها چون به او بدی کرده‌اند حرف نمی‌زند و آنها را نمی‌بخشد.

پاسخ مفصل

الحمدلله.

اولا:

کسی که در محاصرۀ غم‌ها قرار گرفته و دنیا برایش تنگ و دشوار شده و روابطش با نزدیکان و اقوام و مردم خراب شده باید به خداوند پناه ببرد و به خود بازگردد و نفس خود را محاسبه کند و خود را به کوتاهی متهم کند و توبه کرده کارهایش را اصلاح کند.

دوم:

دربارۀ پدر واجب این است که در حق او نیکی کرده و بر اساس نیکی با وی رفتار کند. ترک پدر ـ هر چه گناهکار باشد ـ جایز نیست زیرا حق والدین بسیار والاست و با گناه کردن آنان یا پافشاری بر معصیت ساقط نمی‌شود.

چرا که الله متعال امر به رفتار نیک با والدین نموده حتی اگر فرزند را به شرک فرا بخوانند و برای این تلاش و پافشاری بسیار کنند:

وَإِن جَاهَدَاكَ عَلى أَن تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبْهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا [لقمان: ١٥]

(و اگر تو را وادارند تا دربارۀ چیزی که نسبت به آن علمی نداری نسبت به من شرک ورزی از آنان فرمان نبر ولی در دنیا به خوبی با آنان معاشرت کن).

سوم:

مشکلات خانوادگی و اینگونه اختلافات بین خانواده و خویشاوندان نباید به قهر و ترک یکدیگر و دشمنی منجر شود. ارتباط و سلام گفتن و محبتِ شخص مسلمان برای خانواده و خویشاوندان او در اولویت و به تقوا نزدیک‌تر است و او را از قهر و ترکی که الله و پیامبرش حرام کرده‌اند دور می‌گرداند. در ضمن اگر خویشاوند به او ستمی روا داشته اینجا خداوند و پیامبرش گذشت را بیشتر دوست دارند، بنابراین آنچه را محبوب الله و پیامبر اوست با چیزی که بد می‌دارند عوض نکن.

از ابوهریره ـ رضی الله عنه ـ روایت است که مردی گفت: ای رسول خدا، من خویشاوندانی دارم که با آنان ارتباط می‌گیرم اما از من دوری می‌کنند و به آنان نیکی می‌کنند و در حقم بدی روا می‌دارند و در حقشان شکیبایی می‌ورزم و در حق من جهل روا می‌دارند. پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمود: اگر چنین است پس گویا به آنان خاکستر داغ می‌خورانی و تا وقتی که بر این حال هستی از سوی الله در برابر آنان یاوری داری به روایت مسلم (۲۵۵۸).

چهارم:

همینطور دربارۀ همکاران و کسانی که در محل کار با آنها هستید: هیچ کاری عاری از مشکلات و اختلاف نظر نیست و اگر انسان از بسیاری موارد چشم پوشی و تغافل نکند و صبر پیشه نسازد و بر آزار مردم شکیبایی نورزد در این حالت حتی رفتن به سر کار هم باعث دلتنگی و مشکلات روحی است.

اما اگر صبر پیشه سازد و تغافل نماید و ببخشد، هم از سوی الله اجر خواهد برد و هم همکارانش او را دوست خواهند داشت و او را به کرم و بزرگواری و اخلاق نیک خواهند شناخت و در بین آنان و مردم به عنوان الگویی نیک شناخته خواهد شد.

اما مشکلات پی در پی با مردم به سبب اختلاف با آنان و احساس مظلومیت ـ به حق یا ناحق ـ و میل به دوری از آنان به مصلحت شخص مسلمان نیست، نه دردینش و نه در دنیاش؛ و امکان ندارد زندگی انسان به این شکل سر و سامان گیرد و دینش به صلاح آید و زندگی خوبی داشته باشد.

پنجم:

اما دربارۀ بلای بزرگی که ترک نماز و سوء ظن در مورد الله است که این دو گناه بزرگ همۀ دین انسان را ویران کرده و همۀ برکت زندگی‌اش را می‌گیرند و هر چه بدبختی است را به سوی او سرازیر می‌کنند چرا که ترک نماز کفر و باعث خروج از دین و سبب همۀ دلتنگی‌ها و بدبختی‌هاست.

مراجعه نمایید به سوال شمارۀ (5208) .

بنابراین وی باید در همهٔ امور زندگی‌اش دوباره با خود حساب و کتاب کند و به سوی الله توبه نماید و آنچه را تباه کرده از نو اصلاح کند و رفتارش را با پدرش و عمه‌ها و همکارانش درست کند و مهم‌تر از همهٔ اینها بر نمازش پایبندی نماید و بسیار دعا کند که الله دعایش را پذیرفته و اوضاعش را به سامان آورد و او را برای هر خیری در دنیا و آخرت توفیق دهد.

والله اعلم